




Comparing the role and strategies of contemporary intellectuals in the political development of Iran

(Analysis of the political thoughts of Mirza Malkam Khan, Foroughi, Shariati ali and abdolkarim Soroush)

Ali Ahmadi , PhD student in Political Sociology, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran. a.ahmadi.1905@gmail.com

Mogtaba Sedaghati Fard , Assistant Professor, Department of Social Sciences, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran (Corresponding Author) seda@yahoo.com

Yaghoob Sharbatian , Assistant Professor, Department of Social Sciences, Garmsar Branch, Azad Islamic University, Garmsar, Iran dy.sharbatian@yahoo.com

Extended Abstract

The main objective of this research is to compare the role and strategies of contemporary intellectuals in the political development of Iran, and the intellectual movements of the last 200 years in the constitutional, first Pahlavi, second Pahlavi and post-Islamic Revolution periods, and intellectual discourses with various intellectual lines have been examined.

Method: The method of this qualitative research is based on a content analysis approach and using library tools and articles, in which the political thoughts and strategies of contemporary Iranian intellectuals have been investigated, and the researcher has extracted and analyzed the required materials using an inductive approach and triple coding.

Findings: The research findings indicate that the intellectual movement in contemporary Iranian history has suffered from two fundamental weaknesses that have caused the strategies they mentioned in policymaking to not be effective: A. Lack of theoretical foundations and correct analysis of the objective conditions of society B. Internal differences and fragmentation of the intellectual community and intolerance towards each other.

Results: The results of the research also indicate that contemporary intellectuals have had different roles and strategies, which can be referred to as secularism among intellectuals of the Constitutional era, industrialization among intellectuals of the first Pahlavi era, progress in science and technology among intellectuals of the second Pahlavi era, and the elimination of dependence on the West among intellectuals after the Islamic Revolution. The conclusion of the research also indicates two exogenous approaches (modernist attitude and attention to Western ideas) and endogenous approaches (localization attitude and reliance on Islamic ideas) of contemporary intellectuals to political development. Malcolm Khan considered freedom and equality to be the source of the country's progress, and his strategy was legislation and the rule of law. Foroughi considered intellectual development important and promoted modern ideas and familiarity with the prin-



principles of democracy, his strategy was awareness and transparency. Shariati, based on Islamic ideas, pursued political development, and his strategy was religious development. Soroush believes in civil society based on rights and pluralism, and his strategy is ethics and law to achieve political development.

The lack of institutionalized connection between science and practice, resulting from the lack of practicality of intellectuals' science and the lack of scientific practice of political elites, has slowed down the process of political development in the country, and the need for ideological approaches and an appropriate development model with an emphasis on identity foundations seems essential. Solving the crisis of political development requires redefining cultural and identity concerns to new issues. In addition to addressing some of the opportunities and threats existing in intellectuals' strategies by criticizing discourses and presenting policy proposals, the present study is a kind of simultaneous recognition of all phenomena and areas that shape the life world of a society.

Keywords: Intellectualism, strategies, political development, contemporary Iran.



مقایسه نقش و راهبردهای روشنفکران معاصر در توسعه سیاسی ایران (تحلیل اندیشه‌های سیاسی میرزا ملکم خان، فروغی، شریعتی و سروش)

علی احمدی^۱، مجتبی صدقاتی فردا^۲، یعقوب شربتیان^۳

چکیده

هدف اصلی این پژوهش مقایسه نقش و راهبردهای روشنفکران معاصر در توسعه سیاسی ایران است و جریان‌های روشنفکری ۲۰۰ ساله اخیر در دوره‌های زمانی مشروطه، پهلوی اول، پهلوی دوم و بعد از انقلاب اسلامی و گفتمان‌های روشنفکری با نحله‌های فکری گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. روش این پژوهش کیفی با رویکرد تحلیل محتوا و استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و مقالات بوده که محقق با رویکرد استقرایی و کدگذاری سه‌گانه به استخراج و تحلیل مطالب پرداخته است. یافته‌های پژوهش بیانگر دو ضعف اساسی جریان روشنفکری است که راهبردهای آنان اثربخشی لازم در سیاست‌گذاری‌ها را نداشته باشد: الف. فقدان مبانی تئوریک و تحلیل درست از شرایط عینی جامعه ب. اختلافات و پراکندگی درونی جمعیت روشنفکران. نتایج پژوهش نیز نشان‌دهنده آن است روشنفکران معاصر راهبردهای متفاوتی داشته‌اند که می‌توان به سکولاریسم در روشنفکران عصر مشروطیت، صنعتی شدن در روشنفکران عصر پهلوی اول، پیشرفت در علم روشنفکران پهلوی دوم و رفع وابستگی به غرب در بین روشنفکران بعد از انقلاب اسلامی اشاره کرد. همچنین استنتاج تحقیق بیانگر دو رویکرد برون‌زا (نگرش تجددگرایانه) و رویکرد درون‌زا (نگرش بومی‌سازی) روشنفکران معاصر به توسعه سیاسی است. ملکم خان آزادی و مساوات را منشاء پیشرفت کشور دانسته و راهبردش برپایی حکومت قانون بود. فروغی توسعه فکری، ترویج ایده‌های مدرن و آشنایی با اصول دموکراسی را مهم دانسته، راهبردش آگاهی بود. شریعتی بر اساس اندیشه‌های اسلامی به توسعه سیاسی پرداخت و راهبردش توسعه دینی بود. سروش معتقد به جامعه مدنی بر پایه‌های حق و کثرت‌گرایی بوده و راهبردش اخلاق و قانون برای رسیدن به توسعه سیاسی است.

واژگان کلیدی

روشنفکری، راهبردها، توسعه سیاسی، ایران معاصر.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۵

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران. a.ahmadi.1905@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران (نویسنده مسئول) seda@yahoo.com

۳. استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران. sharbatian@yahoo.com

مقدمه

روشنفکری، فعالیتی است در سمت شکاف سنت و مدرنیته و محصول شکاف و تزلزل میان این دو جهان متفاوت است. شاخص‌های روشنفکری مانند نوگرایی، انتقادی‌اندیشی، واقع‌نگری، انتقادپذیری و آزاداندیشی، چهره‌ای اجتماعی را مجسم می‌کند که به لحاظ طبیعی، متعهدانه دغدغه‌مندانه و در پی نقش، رویکردها و کارکردهای روشن‌گرانه است، بر روی هر نقشی از روشنفکری اهتمام داشته باشیم یا از هر زاویه‌ای به کارکردهای روشنفکری بنگریم، روشن‌فکر با «سنت» روبرو می‌شود، در هر دو حالت تقابل یا تعامل با آن و در راستای بازاندیشی آن قرار خواهد گرفت. برداشت ذهنی مشهور از یک روشن‌فکر، نیرویی در جامعه‌شناسی سیاسی است که از معنای عمومی کلمه متفاوت است (آبراهامیان، ۱۳۹۴: ۳۲).

ریشه روشنفکری برگرفته از فلسفه نو و جهان مدرن است، جهانی که به تعبیر گیدنز بازاندیشی افزایش می‌یابد، متعلق به حوزه تمدنی خاص (غرب) و به دوره خاصی با نام عصر روشن‌نگری است. این پدیده عصر روشن‌نگری دارای ویژگی‌هایی مانند آگاهی، دانش و شناخت، زمان‌شناسی، آسیب‌شناسی اجتماعی، مواجهه با اهداف دنیوی، علم‌گرایی، تجربه‌گرایی، سکولاریسم^۱، خودآگاهی طبقاتی و درگیری با صاحبان عرصه قدرت نمایان شده است، اما آنچه مسلم است شناخت روشنفکری با شاخص‌های «انتقادی‌اندیشی» که نتیجه خرد و دانش انتقادی، خودآگاهی، دگراندیشی، واقع‌نگری و بینش خلاق، آزاداندیشی، شناخت زمانه و پویایی است، کارآمدتر باشد (آدمیت، ۱۳۴۰: ۴۷).

روشنفکر به‌عنوان فردی متفکر که خلاق و نقاد است، باید حول محورهای زیر حرکت کند:

(الف) ارزش‌های غایی و نهایی (حقیقت، عدالت و...) را خلق کند؛

(ب) توزیع‌کننده علم و مبلغ عقاید یا بنیان‌گذار ایدئولوژی جدید و نقاد وضع موجود باشد؛

(ج) در توسعه و پیشبرد فرهنگ و تمدن جامعه مؤثر باشد (میرلطفی و جهان‌تغیخ، ۱۳۸۳: ۲۸).

توماس سوئل (۱۴۰۱)، افرادی را که به نحوی در جامعه امروزی تأثیرگذارند را روشن‌فکر می‌داند. او روشنفکری را یک شغل و محصول خروجی آن را ایده‌ها می‌داند (توماس سوئل، ۱۴۰۱). او در مورد ماهیت و نقش روشن‌فکران به عنوان گروه‌های

مرجع جامعه تحلیل‌های سیستماتیک ارائه می‌دهد.

اساس تعهد اخلاقی یک روشنفکر پرسش‌های انتقادی است که مخاطبش خود و جامعه اوست. وظیفه روشنفکران ارائه گفتگوی انتقادی از راه زیر سؤال بردن همیشگی اصول مورد توافق کنونی و به حرکت انداختن گفتگو در جهت‌های تازه است. این ویژگی انتقاد اندیشی تنها شامل گذشته، نقد احکام و قوانین و باورهای گذشته نیست، بلکه بقایای به‌جامانده تفکرات کهنه در زندگی جاری را هم در برمی‌گیرد. این شاخص‌ها نتیجه انتقادی اندیشی روشنفکری است که نبود آن تداعی گر «مرگ روشنفکری» است و شاید برخی بگویند که نپذیرفتن بدون دلیل آن نیز نمایانگر «دیالوگ کرها» است (آدمیت، ۱۳۷۳: ۴۲).

تعامل و تقابل روشنفکران و نخبگان سیاسی نقش تأثیرگذاری در توسعه به‌ویژه توسعه سیاسی کشور دارد. همسویی میان دو قشر روشنفکر و نخبه سیاسی، رشد نقادانه گفتمان‌های روشنفکری و بهره‌مندی نخبگان سیاسی از اندیشه‌ها و نظرات طبقه روشنفکر یکی از نشانه‌های روشن دموکراسی در جوامع توسعه‌یافته از منظر سیاسی است (جعفری و قاسمی، ۱۳۹۸: ۲۳).

مقایسه نقش و راهبردهای روشنفکران معاصر در توسعه سیاسی ایران، موضوعی است که به بررسی تأثیر تغییرات سیاسی بر روی نقش و عملکرد روشنفکران در جامعه می‌پردازد. این پژوهش به ما کمک می‌کند تا درک بهتری از نحوه تأثیر تحولات سیاسی بزرگ بر روی اندیشمندان در جامعه پیدا کنیم و با خوانش راهبردهای آنان، ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدهای موجود در روند توسعه سیاسی کشور تأثیرگذار باشیم. تفکر درباره آینده برای کارها و اقدامات کنونی ایشان امری ضروری است. واکنش بدون تفکر به آینده امکان‌پذیر است، اما کنش امکان‌پذیر نیست. چراکه عمل نیاز به پیش‌بینی دارد. بدین ترتیب، تصویرهای آینده (آرمان‌ها، اهداف، مقاصد، امیدها، نگرانی‌ها و آرزوها) پیش‌ران‌های کلی اقدامات فعلی ما هستند (خجسته، ۱۴۰۱: ۲۱).

روشنفکران معاصر، بخشی از جامعه ایران را تشکیل می‌دادند و دارای ارتباطات و تأثیر قابل توجهی در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بودند. آن‌ها در ترویج ارزش‌هایی مانند دموکراسی، مدرنیته، حقوق بشر و توسعه سیاسی نقش مهمی داشتند. روشنفکران در قالب اندیشه‌های فلسفی، ادبی، سیاسی و اجتماعی خود، ایده‌ها و نظرات خود را به شکل مقالات، کتب و سخنرانی‌ها منتشر می‌کردند و سعی می‌کردند تأثیر مثبتی بر روی جامعه و سیاست ایران داشته باشند.

در هر دوره تاریخ معاصر با بروز تغییرات سیاسی، نقش و راهبردهای روشنفکران نیز تحت تأثیر قرار گرفت. این تحولات شامل تغییر ایدئولوژی و ارزش‌های روشنفکران، نقششان در فرایند تحولات سیاسی و تأثیر آن‌ها در توسعه سیاسی ایران می‌شود. روشنفکران معاصر نگرش‌های گوناگونی برای رسیدن به توسعه سیاسی داشتند. در دوره مشروطه سکولاریسم و تجدد، در دوره پهلوی اول صنعتی شدن و الگوگیری از غرب، دوره پهلوی دوم پیشرفت علوم و فناوری و دوره بعد از انقلاب اسلامی به خودآگاهی سیاسی ایدئولوژیک و رفع وابستگی به غرب تأکید داشتند و در ترویج ارزش‌ها و ایدئولوژی اسلامی نقش فعالی داشتند.

عابدی اردکانی محمد (۱۳۹۳) با کنکاش در شرایط کنونی اگر بخواهیم عملکرد نخبگان سیاسی در این زمان را با دید واقع‌گرایانه تحلیل کنیم، باید بگوییم که در این دوره مطلق‌پنداری، آرمان‌گرایی و در پی جامعه‌اتویایی بودن، همچون اوایل انقلاب اسلامی، دوباره به سراغ نخبگان سیاسی آمده است و به همین علت نخبگان سیاسی در این دوره، انسجام و ثبات را کم‌اهمیت و تناقض، تضاد و تغییر را پراهمیت قلمداد می‌کنند (اردکانی، ۱۳۹۳: ۱۶۲).

در این مقاله، قصد و تلاش محقق بر این است که با پاسخ به این سؤال اساسی که: مقایسه نقش و راهبردهای روشنفکران معاصر در توسعه سیاسی ایران چگونه است؟ و دیگر سؤالات زیر:

- راهبردهای روشنفکران دوره مشروطه در جهت توسعه سیاسی چه مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌هایی را در برداشته است؟
- راهبردهای روشنفکران دوره پهلوی اول در جهت توسعه سیاسی چه مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌هایی را در برداشته است؟
- راهبردهای روشنفکران دوره پهلوی دوم در جهت توسعه سیاسی چه مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌هایی را در برداشته است؟
- راهبردهای روشنفکران پس از انقلاب اسلامی در جهت توسعه سیاسی چه مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌هایی را در برداشته است؟

نقش و راهبردهای روشنفکران معاصر را مورد بررسی و مقایسه قرار داده و با تجزیه و تحلیل آن‌ها در چهار نسل متفاوت و در دوره‌های زمانی مختلف یعنی مشروطه، پهلوی اول، پهلوی دوم و بعد از انقلاب اسلامی درک بهتر و تازه‌ای از نقش و راهبردهای روشنفکران معاصر در توسعه سیاسی ایران و همچنین تأثیر متقابل تغییرات سیاسی بر

روی نگرش‌ها و راهبردهای روشنفکران در توسعه سیاسی ایران ارائه دهد؛ بنابراین، این پژوهش با مقایسه چگونگی نقش و راهبردهای روشنفکران معاصر در توسعه سیاسی ایران، می‌تواند یافته‌ها و نتایج مهمی درباره تأثیر روشنفکران بر تغییرات سیاسی و همچنین تأثیر تغییرات سیاسی بر روشنفکران کشور فراهم کند.

در مورد روشنفکران و توسعه چه از جهت نظری و چه از جهت تجربی مطالعات چندانی در ایران صورت نگرفته است. فقر مطالعات در این زمینه، امکان مدل‌سازی و برگرفتن چهارچوبی نظری را فراهم نمی‌کند.

باوجود دهها سال ارائه نظریه توسط اندیشمندان هنوز هم بحث و گفتگو در رابطه با توسعه و تنگناهای آن از تازگی خاصی حداقل در میان اندیشمندان اجتماعی ایران برخوردار است. یکی از علل مهم آن شرایط حاکم بر جامعه ما هنوز موقعیت یک جامعه توسعه‌یافته را ندارد، بلکه وضعیت یک جامعه در حال توسعه را داراست و روند طولانی شدن این گذار سبب شده است ما در حال گشت‌وگذار در مسیر توسعه باشیم و قصد عبور از آن را نداریم (حیدرپور، ۱۳۹۶: ۲).

رابطه روشنفکران و توسعه رابطه‌های پیچیده و از نظر تاریخی بیانگر زنجیره علت و معلولی است. روشنفکران را چه محصول فرهنگ و ساخت فکری تاریخی یا موجود جامعه فرض کنیم، چه سرآمدان فرهنگ‌ساز و جهت‌دهنده به افکار رابطه متقابلشان را با توسعه نمی‌توانیم انکار کنیم. مطالعه انجام‌شده نشان می‌دهد که جامعه نوین نیازمند یک طبقه روشنفکر نوین به‌عنوان یکی از عناصر سازنده و تعیین‌کننده نوسازی است و از طرف دیگر خود روشنفکر محصول نوسازی است و هر گاه جامعه‌ای در مسیر توسعه و نوسازی قرار گیرد طبقات چندبعدی روشنفکران نوین به وجود خواهند آمد. برخی صاحب‌نظران با توجه به مواجهه روشنفکر با مسئله توسعه، چهار وظیفه عمده را برای آنان یادآور شده‌اند: توضیح، ابتکار، تمایز و انتخاب. بحث توضیح و ابتکار، وظایف روشنفکر را در قبال سنت در برمی‌گیرد و غرض از آن‌ها تغییر سنت و بازسازی آن است. تمایز و انتخاب را می‌توان با ارزیابی کردن تجدد و انتخاب پاره‌های سازگار با سنت دانست. روشنفکر از این راه بین گذشته و آینده پل می‌زند.

در حقیقت، تغییر بر اساس رویکرد آینده‌نگرانه تنها راهی است که به کمک آن می‌توان آینده را تضمین کرد، لذا باید تغییرات لازم را شناسایی و برای ایجاد آن برنامه‌ریزی صحیح کرد (سبحانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۵).

تعامل و تقابل نخبگان سیاسی و روشنفکران نقش مؤثری در توسعه سیاسی جامعه

دارد. این مقاله با طرح سؤال نقش و راهبردهای روشنفکران در توسعه سیاسی چیست؟ بررسی آسیب شناسانه نقش روشنفکران را در توسعه سیاسی بیان می‌کند.

مقاله پیچیده توسعه یک فرایند دشوار است که نیاز به بهره‌مندی از مصاحبت برترین نخبگان، آخرین دستاوردهای دانش روز و تازه‌ترین ابتکارات و جدیدترین خلاقیت‌های موجود دارد. از طرفی دیگر گردش پیاپی، منظم همراه با مسالمت‌آمیز نخبگان، علاوه بر تأمین استعدادهای برتر، تقویت‌کننده موتور توسعه بشمار می‌رود. با توجه به این نکته که یکی از مشکلات تاریخی در نظام مدیریتی کشور ایران ورود سخت و ثقیل روشنفکران به دایره قدرت و نخبگان سیاسی حاکم است.

بنابراین نیازمند گفتمان تازه‌ای هستیم که بکوشد شکاف میان روشنفکران و قدرت سیاسی را پر کند و قدرت سیاسی هم باید بداند که زبانی برای ارتباط با نظام جهانی ندارد و در واقع این روشنفکران هستند که می‌توانند این گفتمان را ایجاد کنند.

تعامل روشنفکران با نخبگان سیاسی باعث تدوین برنامه‌ای مدون با رویکرد آینده‌نگری می‌شود، برنامه‌ریزی توسعه در هر کشوری عمدتاً با هدف انضباط بخشی و جهت‌دهی به فرایند توسعه انجام می‌شود و هدف اصلی آن سرعت و شتاب به حرکت توسعه در همه ابعاد است (کلهر، ۱۴۰۱: ۱).

پیشینه پژوهش

در پژوهش پیش رو از نتایج تحقیقات مطرح شده نقش و راهبردهای روشنفکران معاصر در توسعه سیاسی استفاده شده است، مرور مطالعات انجام شده بیانگر ناکافی بودن آن در بستر سیاست‌گذاری و در مقام اجرایی است. با توجه به اهمیت موضوع ضروری به نظر می‌رسد که رویکرد حاضر نیز مورد بررسی قرار گیرد.

مطالعات داخلی

دهم‌رده و رنجبر در سال ۱۳۹۵ در مقاله‌ای با عنوان «راهکارهای روشنفکران دوران انقلاب مشروطه ایران برای توسعه و جبران عقب‌ماندگی‌های کشور» در ماهنامه علوم انسانی اسلامی، دوره: ۱، شماره: ۱۴

این مقاله سعی دارد تا به معرفی و تحلیل مواضع و نظرات و راهکارهای آن دسته از روشنفکران دوران انقلاب مشروطه ایران بپردازد که با دیدن عقب‌ماندگی‌های مادی و علمی ایران سعی در جبران آن داشتند و با توجه به عقاید مسلط بر جامعه و جو سیاسی حاکم بر آن برنامه‌هایی متناسب با آن جامعه اتخاذ می‌کردند خصوصاً عقاید ملوک

خان به‌عنوان پرچم‌دار ترویج عقاید سیاسی و اجتماعی مدرن بیشتر مورد تأکید قرار می‌گیرد. این دسته از روشنفکران با ایجاد تشکیلات سیاسی مخفی و تدوین کتابچه‌ها و ارائه نظرات سیاسی و اجتماعی جدید نقش عمده‌ای در بازسازی دیوان‌سالاری، نظام آموزشی، جا انداختن فکر قانون خواهی و آشنایی ایرانیان با اندیشه‌های اقتصادی جدید باورهای سیاسی و اجتماعی مدرن غربی داشتند.

دهقان در سال ۱۳۹۴ در مقاله‌ای با عنوان «تفکر انتقادی روشنفکران مسلمان: نقش احتمالی آن در توسعه اندیشه حسابداری رهایی‌بخش» در دومین همایش ملی حسابداری، مدیریت و اقتصاد ایران.

هدف از این مقاله ارائه یک نمای کلی از مباحثات فکری تعداد از روشنفکران مسلمان معاصر برای الهام بخشی و اثرگذاری برای توسعه یک پروژه حسابداری رهایی‌بخش است. این روشنفکران انتقادی مسلمان CMI ها بیان‌کننده آن چیزی هستند که به نام اسلام انتقادی مشهور است و ارائه‌دهنده مباحثات انتقادی مؤثر در جهان اسلام خصوصاً راجع به تاریخ‌نگاری، معرفت‌شناسایی و تفسیر می‌باشند ۱۹۹۸، آن‌ها تلاش می‌کنند که یک جهان‌بینی اسلامی مطابق با شرایط مدرن توسعه دهند، اما همچنان از میراث تمدن اسلامی مشتق شده باشد (Cooper, Kersten et al., 2011)، پیشنهاد‌های مطرح‌شده توسط این متفکران به‌عنوان یک گفتمان جایگزین راجع به اسلام که در حال اثرگذاری بر جهان اسلام است. اصل مهم در تفکر رد دیدگاه ذات‌گرایانه معنی مشخص و دقیق اسلام است کاسترن درحالی‌که برنامه و اندیشه‌ها متفاوت است و منبع گسترده از علم و دانش را شامل می‌شود؛ اما آن‌ها دارای اندیشه‌های مشترکی می‌باشند، ازجمله:

۱. رد این مطلب که قرآن و سنت هیچ شاهد روشنی برای تعهد اخلاقی برای برپایی یک دولت اسلامی ارائه داده است؛

۲. تصریح بر این مطلب که اسلام اصول اجتماعی - سیاسی خاصی را بدون ایدئولوژی کردن آن‌ها به رسمیت می‌شناسد؛

۳. درک اسلام به‌عنوان دینی جهان‌شمول و بدون محدودیت زمانی و بنابراین باید اسلام را به شیوه‌ای دینامیک و پویا درک کرد و دائماً در حال نو شدن. این استدلال که تنها خداوند دارای حقیقت مطلق است و درک بشر از اسلام همیشه نسبی است و بنابراین، چند تفسیری حاصل موجب جلوگیری از هر ادعا حقیقی معتبر می‌شود و یک نگرش مداراکننده را تقویت می‌کند (Kersten, 2011).

اکبرزاده و همکاران در سال ۱۳۹۶ در مقاله‌ای با عنوان «نقش روشنفکران حزب تجدد در شکل‌گیری دولت مدرن در ایران (با توجه به حکومت پهلوی اول)» در اولین همایش ملی علوم رفتاری و اسلامی.

انقلاب مشروطه بیان‌کننده پایان عصر استبداد سنتی و آغاز ساخت یک دولت نو بر اساس تفکیک قوا و برقراری یک نظام حقوقی مدون بود؛ اما به دلایلی، از جمله اعدام شیخ فضل‌الله نوری، مقاومت نهادهای سنتی، دخالت بیگانگان، اشغال ایران در جنگ جهانی اول و ضعف حکومت مرکزی و ناتوانی طبقه متوسط موفق نبود. در این پژوهش با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای ابتدا به مفهوم‌پردازی دولت مدرن خواهیم پرداخت. در ادامه با توجه به اهمیتی که حزب تجدد و به‌ویژه روشنفکران این حزب یعنی علی‌اکبر داور، تیمورتاش، محمدعلی فروغی، سیدحسن تقی‌زاده و تدین در شکل‌گیری و توسعه مفهوم دولت مدرن در دوره پهلوی اول داشته را مورد واکاوی قرار خواهیم داد و به معرفی آن‌ها و برنامه حزب پرداخته‌ایم. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که روشنفکران حزب تجدد نقش بسیار زیادی در توسعه دولت - ملت و ساختارهای حقوقی و قانونی به‌عنوان زمینه‌ای برای فعالیت این طبقه از طریق ایجاد هویت ملی مشترک داشته است. با این وجود پروژه روی کارآمدن رضاشاه به مانند پروژه انقلاب مشروطه نتوانست به نتایج مطلوب دست یابد.

اسدزاده در سال ۱۳۹۳ در مقاله‌ای با عنوان «نقش روشنفکران و کشورهای همسایه در نوسازی‌های دوره رضاشاه» در فصلنامه سیاست، دوره: ۱، شماره ۴.

به‌رغم مطالب فراوانی که درباره‌ی مدرنیزاسیون دوره رضاشاه نوشته شده است؛ هنوز ابهاماتی درباره‌ی آن وجود دارد. به‌خصوص به نظر می‌رسد درباره‌ی نقش دولت در تدوین سیاست‌های نوسازگرایانه (و نه در اجرای آنکه بی‌شک از آن دولت است) اغراق شده است. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که اگر نیروهای اصلی تدوین‌کننده‌ی پروژه‌های نوسازگر این دوره به خوبی شناخته نشود، شناخت ماهیت این نوسازی به اشکالات فراوان مواجه خواهند بود. بدین ترتیب سؤال اصلی این است که منابع و دلایل تدوین سیاست‌های نوسازی‌های دولت رضاشاه چه بوده است فرضیه‌ی این مقاله این است که نوشته‌های روشنفکران به‌خصوص در سال‌های به قدرت رسیدن رضاشاه (۱۳۰۴ - ۱۲۹۹) منبع اصلی و فشار همسایه‌های بیشتر مدرن ایران (روسیه/شوروی و ترکیه) از دلایل مهم تدوین این سیاست‌ها بود.

قنبرپور در سال ۱۳۹۵ در مقاله‌ای با عنوان «بررسی دیدگاه روشنفکران دینی در

رابطه با حقوق زنان با تأکید بر مدرنیته» در کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین علوم انسانی در قرن ۲۱

بیشترین پدیده‌ای که ایران را تحت تأثیر خودش قرار داد و در واقع تحول اساسی در ماهیت آن ایجاد کرد، پدیده‌ی مدرنیته است. مدرنیته پیامدهای مثبت و منفی زیادی برای ما ایرانیان داشته و تحولات اساسی در بخش‌های گوناگون به وجود آورده است. در برخورد با این مهمان ناخوانده و باگذشت بیش از ۱۵۰ سال از ورود آن به کشور هنوز گفتمان‌های متفاوتی در کشور وجود دارد. گفتمان روشنفکر دینی از جمله این گفتمان‌هاست با توجه به مهم‌ترین پرسش پژوهش: روشنفکران دینی چه تعریفی از مدرنیته و آثار آن دارند به بررسی آراء و افکار سه روشنفکر دینی (عبدالکریم سروش، محمد مجتهد شبستری و رضا علیجانی) و با هدف تحلیل گفتمان آن‌ها نسبت به مدرنیته و نیز جایگاه زنان پرداخته شده است، اساس تحلیل داده‌ها بر مبنای نظریه گفتمان لاکلا و موفه و مؤلفه‌هایی است که نظریه آن‌ها را تشکیل می‌دهد. محقق مبتنی بر روش‌شناسی حاصل از این نظریه به تحلیل گفتمان سه صاحب‌نظر پرداخته تا صورت‌بندی گفتمان آن‌ها را نسبت به مدرنیته نشان دهد.

دیلمقانی و ترکی در سال ۱۳۹۵ در مقاله‌ای با عنوان «ضرورت‌های سیاست‌گذاری هویت ملی از دید روشنفکران ایرانی (مقطع ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲)» در فصلنامه سیاست، دوره ۳، شماره ۱۲

پرسش از کیستی و هویت افراد و ملت‌ها یکی از دغدغه‌های فکری بشر در طول تاریخ به شمار می‌رود. روشنفکران ایرانی نیز به‌عنوان نخستین قشر از جامعه ایرانی که در قالب‌های گوناگون و از زوایای متفاوت با این پرسش مواجه بوده و پاسخ‌های متفاوتی به آن داده‌اند. اینکه هویت ملی ایرانی چیست از چه ارکانی تشکیل شده چه عواملی سبب پیدایش بحران هویت و ضرورت سیاست‌گذاری هویتی در ایران بوده پاسخ روشنفکران دهه ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ به این بحران و ضرورت‌ها چه بوده است پرسش‌ها و دغدغه‌هایی است که این نوشتار درصدد تبیین آن است تا از این طریق بستری برای شناخت جریان‌ها و سیاست‌های هویتی دوره مذکور را فراهم نماید.

مطالعات خارجی

غرایق زندیه در مقاله‌ی خود با عنوان «روشنفکری، هویت و نوگرایی در ایران» به پایه‌های مختلف هویت ایرانی در میان روشنفکران پرداخته و برای درک تلاش روشنفکران در جامعه ایران از رهیافت تکاملی استفاده نموده است. وی تلاش روشنفکران در دوره‌های

مختلف را بیشتر به صورت مکمل هم در نظر می‌گیرد تا ناقص یکدیگر و در این مورد به بحث و بررسی می‌پردازد (غرایق، ۱۳۹۵).

نیکی کدی در کتاب ریشه‌ها و نتایج انقلاب ایران به بحث و بررسی در مورد علل شکل‌گیری انقلاب‌ها در ایران پرداخته است. وی در این رابطه به دو عامل در ایران اشاره می‌کند: عوامل منحصر به ایران و عوامل غیر منحصر به فرد. وی برای هر کدام از این عوامل نیز تقسیم‌بندی‌هایی در نظر می‌گیرد و به توضیح و شرح آن می‌پردازد (کدی، ۱۳۸۳).

جان فوران در کتاب خود با عنوان مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی به بررسی، توصیف و تبیین ایران در دوره قاجار تا پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته است. وی در کتاب خود با استفاده از مجموعه‌ای از نظریات دست به این تبیین زده و عوامل تأثیرگذار در وقوع دو انقلاب را بررسی نموده است (فوران، ۱۳۸۵).

حامد الگار در کتاب انقلاب اسلامی در ایران و کتاب نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت به بررسی و تبیین ایران در دوره قاجار و محمدرضا شاه می‌پردازد. وی در آثار خود بیشتر به نقش روحانیون اشاره نموده و به ارتباط دین و دولت می‌پردازد (الگار، ۱۳۵۹).

در اغلب مطالعات منتشر شده به نقش و رویکردهای گوناگون روشنفکران معاصر در توسعه سیاسی پرداخته شده است. برخی دیگر از مطالعات نیز به تعریف روشنفکران ایرانی و فعالیت آنان در کنار سایر عوامل توسعه سیاسی پرداخته‌اند، اما در مطالعه‌ی پیش روی سعی شده است که منحصر به نقش روشنفکران در ایجاد و بسترسازی توسعه سیاسی، اهداف، مبانی و خواسته‌های این گروه، نیروهای هدف آنان در جامعه و چگونگی برقراری ارتباط روشنفکران با این نیروها پرداخته شود. در ادامه نتایج حاصله در مورد هر نحله فکری از روشنفکران معاصر ضمن بحث و بررسی جداگانه، مورد مقایسه با یکدیگر قرار می‌گیرند تا بتوانیم به سؤال اصلی مطالعه پاسخ دهیم.

هر یک از پژوهش‌های پیشین معمولاً بر نقش و رویکردی گوناگون از روشنفکران معاصر در توسعه سیاسی ایران تأکید دارد.

نوآوری تحقیقات حاضر، بررسی عمیق اندیشه‌های روشنفکران مورد اشاره به عنوان نماینده دوره تاریخی خود با توجه به مشی سیاسی در راستای تحولات پیرامونی بوده و رویکردهای آن‌ها را نسبت به مهم‌ترین شاخص‌ها در زمینه توسعه سیاسی مورد مذاقه قرار داده است.

همچنین مطالعه تحقیقات پیشین نشان می‌دهد عمده پژوهش‌ها با محوریت موضوعی خاص به عمل آمده و فاقد رویکردی ساختاری و فلسفی عمیق و جامع و کامل نسبت به توسعه و مدرنیته هستند، درحالی‌که تحقیق انجام‌شده با لحاظ اشتراکات کلیدی‌ترین مؤلفه‌های مورد توجه روشنفکران هر دوره تاریخی نسبت به توسعه سیاسی مورد ارزیابی قرار گرفته است.

وجه تمایز دیگر، چارچوب نظری این پژوهش با توجه به موضوع آن تلفیقی از نظریه‌های مشترک در حوزه‌های جامعه‌شناسی و علوم سیاسی است.

روش پژوهش

روش مورد نظر در این پروژه تحلیل محتوا به شیوه استقرایی است. محقق بر آن است که شیوه علمی را که به تعبیر وبر مستلزم عینیت‌گرایی و بی‌طرفی ارزشی است در این پژوهش رعایت کند.

هدف این مقاله بررسی نقش و راهبردهای عملیاتی روشنفکران معاصر ایران و رویکردهای سیاستی آن‌ها، بر اساس مطالعه اسنادی - تاریخی گونه‌های روشنفکری و خوانش گفتمان‌های روشنفکری در ۲۰۰ سال اخیر است. در مطالعه اسنادی - تاریخی، به اسناد دست‌اول مانند روزنامه‌ها و کتاب‌هایی مانند «گذشته چراغ راه آینده» سند مکتوب حزب توده، کتاب «فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت» نوشته فریدون آدمیت و کتاب تاریخ احزاب سیاسی ایران به نگارش محمدتقی بهار مراجعه شده است. همچنین، اسناد دست‌دوم نظیر مقالات و کتاب‌هایی که به تحلیل تاریخ تحولات اجتماعی ایران و جریان روشنفکری ایرانی پرداخته‌اند، توسط محقق مورد مذاقه قرار گرفته است. لازم است گفته شود که این پژوهش، مدیون تلاش‌هایی است که قبل از ما درباره زیست جهان، حوزه عمومی و روشنفکران ایرانی صورت گرفته است. در این تحقیق همچنین به کارکرد گفتمان‌های روشنفکری در تحول زیست - جهان سنتی به زیست - جهان مدرن ایرانی، یعنی به فرایند مدرنیته در ایران پرداخته می‌شود.

در حقیقت می‌توان گفت که «تحلیل محتوا، نوعی تکنیک پژوهش برای توصیف عینی منظم کمی محتوای ارتباطات با هدف نهایی تفسیر داده‌ها به شمار می‌رود (هولستی، ۱۳۸۰: ۱۲۱). به تعبیر ارل بیسی، «نکته حائز اهمیت در تحلیل محتوا این است که این روش به پژوهشگر امکان می‌دهد که فرایندهایی را که طی دوره‌هایی زمانی طولانی رخ داده‌اند را بررسی کند» (بیسی، ۱۳۸۱: ۶۶۳). این پژوهش از نوع

توصیفی - تحلیلی و روش انجام آن تحلیل محتوا است.» این روش بر روی داده‌های اطلاعاتی موجود به کار می‌رود و حال آنکه هر روش تحقیق دیگر متضمن جمع‌آوری اطلاعات است» (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۳۰۷).

پژوهشگر در این مقاله با بهره‌برداری از روش تحلیل محتوا به بررسی منظم تفکرات روشنفکران چهار نسل روشنفکری از عصر مشروطیت تا عصر حاضر پرداخته است. برای انجام این امر خطیر، محقق علاوه بر مطالعه و بررسی آثار مهم و مرتبط روشنفکران و دیگر پژوهشگران معاصر ایران و جهان، برای هر نسل روشنفکری، دو روشنفکری که نماینده بارز «روح روشنفکری» آن نسل محسوب می‌شود را انتخاب کرده و آثار مهم آن‌ها را به روش تحلیل محتوا مورد کنکاش قرار داده و به تجزیه و تحلیل عناصر فکری، مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌های اندیشه آنان پرداخته است.

به عبارت دقیق و علمی‌تر، محقق برای هر دوره و نسل روشنفکری، یک روشنفکری را که بیشتر از بقیه روشنفکران هم‌عصر خود، مفاهیم رایج روشنفکری آن نسل را تولید و بازتولید کرده و در آثارشان بکار برده‌اند و همچنین بیشتر از دیگر روشنفکران آن دوره یا نسل روشنفکری، کنشگران اجتماعی و سیاسی عصر خود را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند را برای بررسی و تجزیه و تحلیل آثارشان انتخاب کرده است.

به‌طور مشخص محقق، سه کتاب برتر هر روشنفکر که در سوابق آن‌ها درج شده است با این پیش‌فرض که تعداد کتاب‌ها در چاپ اصلی و بدون سانسور بوده‌اند را برای یافتن پاسخ به سؤالات این پژوهش، به شیوه‌های زیر مورد مطالعه، بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده است: منابع اولیه، کتب نوشته‌شده توسط خود روشنفکران، مانند «مجموعه آثار میرزا ملکم خان» از میرزا ملکم خان، منابع اولیه برای بررسی آراء و افکار آن‌ها هستند. این کتب ممکن است شامل مقالات، نامه‌ها، اشعار و دیگر نوشته‌های روشنفکران باشند که برای درک عقاید و ایده‌های آنان بسیار مفید و حیاتی هستند. تحلیل تاریخی برخی از کتب مذکور، مانند «تاریخ ایران قدیم» از فروغی، به بررسی زمینه‌های تاریخی و فرهنگی کشور ایران می‌پردازند. این اطلاعات می‌توانند در درک شرایط و عواملی که روشنفکران را تحت تأثیر قرار داده‌اند، مفید باشند. مباحث فلسفی و اجتماعی برخی از کتب مطرح‌شده، مانند «بازگشت به خویشتن» از شریعتی و «نهاد ناآرام جهان» از سروش، به بحث‌ها و تفکرات فلسفی و اجتماعی مرتبط با روشنفکران می‌پردازند. این کتب می‌توانند در فهم عمیق‌تر از آرمان‌ها، ایده‌ها و نظریات آنان به‌خصوص در زمینه‌هایی مانند اسلام‌شناسی، قدرت و تعامل اجتماعی مؤثر باشند.

جدول ۱. نمونه کتاب‌های روشنفکران مورد تفسیر

نام کتاب	نام نویسنده	ردیف
مجموعه آثار میرزا ملکم خان	میرزا ملکم خان	۱
کتاب‌نامه‌های میرزا ملکم خان ناظم الدوله		
کتاب مقاله‌های میرزا ملکم خان ناظم الدوله		
تاریخ ایران قدیم	فروغی	۲
حقوق اساسی (یعنی) آداب مشروطیت دول		
اصول علم ثروت ملل یعنی اکونومی پلتیک		
بازگشت به خویشتن	شریعتی	۳
بازشناسی هویت ایرانی اسلامی		
اسلام‌شناسی ^۱		
نهاد ناآرام جهان	سروش	۴
قبض و بسط تئوریک شریعت		
سنت و سکولاریسم ^۲		

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

واحد تحلیل:

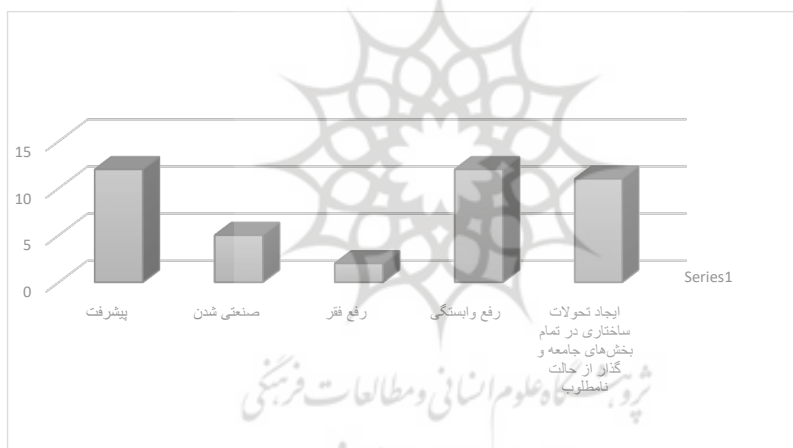
جدول ۲. کدگذاری محتوای تحلیل اندیشه‌های سیاسی میرزا ملکم خان

فراوانی کدها	کدهای باز ایالات فزینگی	مؤلفه‌های فرعی	مؤلفه اصلی
۱۲	تفکر سیاسی، مشروطیت دولت، اعتقاد به قانون‌گذاری، شناخت حقوق فردی، آثار فلاسفه اروپا، تغییر سیاست، اصلاح دستگاه دیوان، سیاست غربی، سرمشق گرفتن از غرب، اصلاح اصول سیاست، «اداره قانونی». تفکیک قوا	پیشرفت	شاخص‌های توسعه سیاسی
۵	تجارب عملی، علم، مبنای علمی و عقلی، تلگراف و کشتی بخار، علم هندسه	صنعتی شدن	
۲	مسلك لیبرالیسم، اجتهاد عقل بشری	رفع فقر	

۱. سخنرانی‌های دانشگاه مشهد

۲. به همراه مجتهد شبستری، مصطفی ملکیان، محسن کدیور

مؤلفه اصلی	مؤلفه‌های فرعی	کدهای باز	فراوانی کدها
شاخص‌های توسعه سیاسی	رفع وابستگی	موجودیت دولت، علم، مشرق زمینیان هیچ‌گاه «سیستم سیاست» خلق نکردند، نظم لشکر، نظم مالیات، ضمانت حقوق، پیشرفت پولیتیک، رونق تجارت، قانون مالیه، تأسیس بانک، قانون تعلیمات عمومی و دیوان عدلیه.	۱۲
	ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب	فلسفه عقلی و تحقیقی، حکومت «منظم قانونی»، قرآن علم حقوق، مباحثات پارلمانی، «نقص ترکیب دولت»، مقتضیات زمانه، نظم صحیح، «اختیار وضع قانون»، «اختیار اجرای قانون»، «قوانین ارکانی»، قواعد مشورت.	۱۱



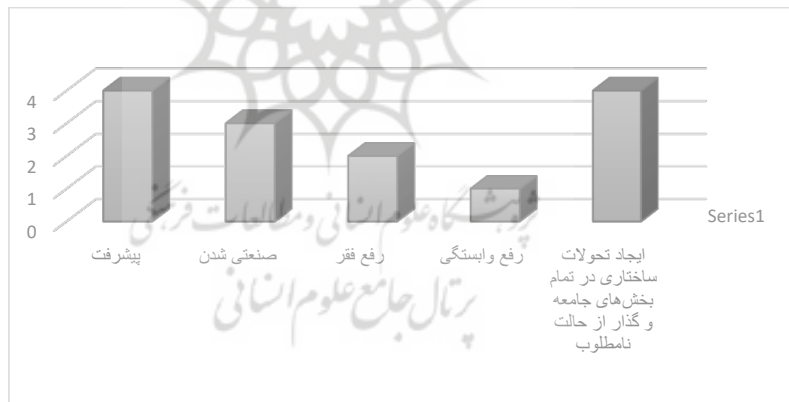
۲. فراوانی کدهای باز در تحلیل شاخصه‌های توسعه سیاسی از منظر میرزا ملکم خان

با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده از جدول فوق مشخص گردیده است که از منظر میرزا ملکم خان ۵ شاخص توسعه سیاسی وجود داشته که با توجه به کدهای باز و فراوانی‌های به‌دست‌آمده پیشرفت، رفع وابستگی و ایجاد تحولات ساختاری با بالاترین فراوانی در رتبه نخست و همچنین رفع فقر و صنعتی شدن در پایین‌ترین شاخص‌های موجود می‌باشد که میرزا ملکم خان به آن اشاره کرده است.

تحلیل اندیشه‌های سیاسی محمدعلی فروغی واحد تحلیل:

جدول ۳. کدگذاری محتوای تحلیل اندیشه‌های سیاسی فروغی

فرآوانی کدها	کدهای باز	مؤلفه‌های فرعی	مؤلفه اصلی
۴	اصلاح جامعه، دولت، جمهوری، جماعت ناظر بر اعمال دولت و کلاء و نمایندگان ملت باشند،	پیشرفت	شاخص‌های توسعه سیاسی
۳	علم جویی، تأسیس دانشگاه، واردات صنعت	صنعتی شدن	
۲	شناسایی دردها و مشکلات، سلطنت از آن ملت است،	رفع فقر	
۱	بازگشت عظمت و شکوه گذشته،	رفع وابستگی	
۴	نگاه هنجاری، عدم وجود قدرت در دست یک گروه، مقید به قید قانون، نمایندگی، متناسب با نیاز و فرهنگ جامعه	ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب	



۳. فرآوانی کدهای باز در تحلیل شاخصه‌های توسعه سیاسی از منظر محمدعلی فروغی

با توجه به داده‌های به دست آمده از جدول فوق مشخص گردیده است که از منظر محمدعلی فروغی ۵ شاخص توسعه سیاسی وجود داشته که با توجه به کدهای باز و فرآوانی‌های به دست آمده پیشرفت با بالاترین فرآوانی در رتبه نخست و ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب در رتبه دوم قرار دارد و

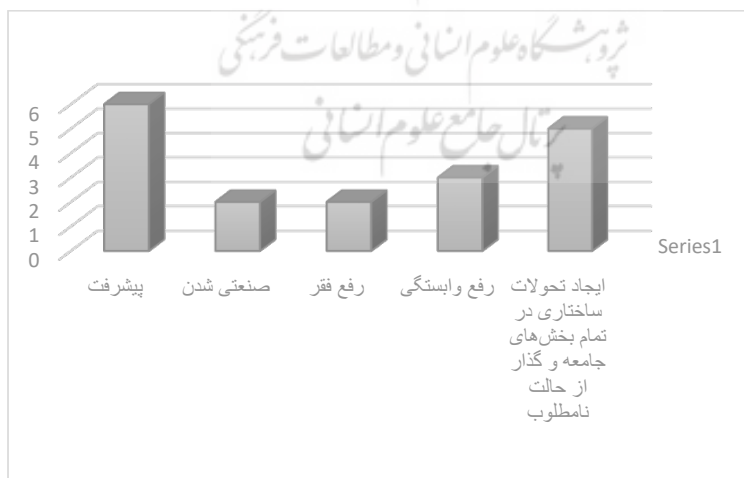
همچنین صنعتی شدن و رفع فقر و رفع وابستگی در پایین ترین شاخص های موجود است که محمدعلی فروغی به آن اشاره کرده است.

تحلیل اندیشه های سیاسی علی شریعتی

واحد تحلیل:

جدول ۴. کدگذاری محتوای تحلیل اندیشه های سیاسی علی شریعتی

فراوانی کدها	کدهای باز	مؤلفه های فرعی	مؤلفه اصلی
۶	رشد و آگاهی لازم، ارزش و اهمیت نظر مردم، قوانین اجتماعی و فردی، دموکراسی، از بین بردن خرافات، سنت های پوسیده از بین برود.	پیشرفت	شاخص های توسعه سیاسی
۲	تحصیل علوم، فنی شدن	صنعتی شدن	
۲	عدالت اجتماعی، کم شدن فاصله طبقاتی	رفع فقر	
۳	در اسلام کسی میان خدا و مردم واسطه نیست، عوض کردن طرز فکر، رهبری	رفع وابستگی	
۵	نظام امت و امامت، عدم در نظر گرفتن روحانیت به جای خداوند، استبداد ستیزی، دوران حکومت امت و امامت به پایان رسیده، حکومت مذهبی هم در اسلام جایگاهی ندارد.	ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش های جامعه و گذار از حالت نامطلوب	



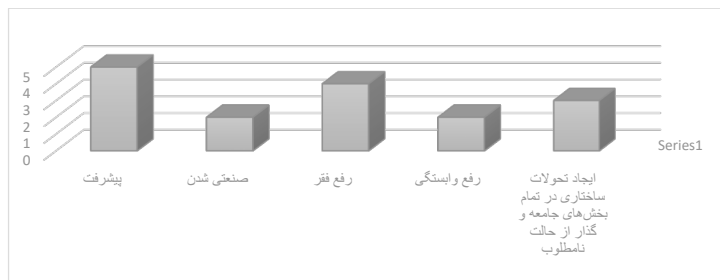
۴. فراوانی کدهای باز در تحلیل شاخصه های توسعه سیاسی از منظر علی شریعتی

با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده از جدول فوق مشخص گردیده است که از منظر شریعتی ۵ شاخص توسعه سیاسی وجود داشته که با توجه به کدهای باز و فراوانی‌های به‌دست‌آمده پیشرفت با بالاترین فراوانی در رتبه نخست و ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب در رتبه دوم قرار دارد و همچنین رفع فقر و صنعتی شدن در پایین‌ترین شاخص‌های موجود می‌باشد که شریعتی به آن اشاره کرده است.

تحلیل اندیشه‌های سیاسی سروش واحد تحلیل:

جدول ۵. کدگذاری محتوای تحلیل اندیشه‌های سیاسی عبدالکریم سروش

فراوانی کدها	کدهای باز	مؤلفه‌های فرعی	مؤلفه اصلی
۵	حکومت‌های لیبرال، دموکراسی، آزادی سیاسی، آزادی‌های فردی، آزادی بیان و عقیده	پیشرفت	شاخص‌های توسعه سیاسی
۲	واردات صنعت، فناوری‌های روز دنیا	صنعتی شدن	
۴	عدالت، آزادی از زندان، آزادی از شریک‌انگاران، آزادی از شر سلطان.	رفع فقر	
۲	آزادی به‌مثابه روش، بندگی خداوند	رفع وابستگی	
۳	ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب	ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب	
	مردم‌شناسی، اخلاق، عملکرد بد کلیسا، مدعیان نمایندگی خدا		



۵. فراوانی کدهای باز در تحلیل شاخصه‌های توسعه سیاسی از منظر عبدالکریم سروش

با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده از جدول فوق مشخص گردیده است که از منظر سروش ۵ شاخص توسعه سیاسی وجود داشته که با توجه به کدهای باز و فراوانی‌های به‌دست‌آمده پیشرفت با بالاترین فراوانی در رتبه نخست و رفع فقر در رتبه دوم قرار دارد و همچنین رفع فقر در رتبه سوم و صنعتی شدن و رفع وابستگی در پایین‌ترین شاخص‌های موجود می‌باشد که سروش به آن اشاره کرده است.

یافته‌های پژوهش

نظرات روشنفکران در این دوران متفاوت بوده است:

۱. در عصر مشروطه: پیشرفت به سبک غربی شامل سکولاریسم و تجدد با ترویج اصول دموکراسی، تأکید بر حقوق شهروندی و ایجاد نهادهای مدرن سیاسی؛
 ۲. در عصر پهلوی اول: توسعه آمرانه با توجه به تحولات اقتصادی، مدرنیته و اصلاحات ساختاری در دولت برای همگن‌سازی فرهنگی و اجتماعی؛
 ۳. در عصر پهلوی دوم: توسعه آمرانه با تحکیم نظام قانونی، توسعه نظام آموزشی و فرهنگی برای ایجاد زیرساخت‌های مدرن، تقویت نظام قضایی؛
 ۴. در دوران انقلاب اسلامی: رفع وابستگی به غرب، بومی‌گرایی و پیشرفت به سبک ایرانی - اسلامی با توسعه نهادهای اسلامی، بررسی دینامیک‌های انقلاب و تحقق اهداف آن، خودآگاهی ایدئولوژیکی سیاسی - اسلامی.
- جریان روشنفکری در تاریخ معاصر ایران از دو ضعف اساسی رنج برده است که باعث شده راهبردهای مورد اشاره آنان در سیاست‌گذاری‌ها اثربخشی لازم را نداشته باشد: الف. فقدان مبانی تئوریک و تحلیل درست از شرایط عینی جامعه ب. اختلافات و پراکندگی درونی جمعیت روشنفکران و تحمل‌ناپذیری نسبت به یکدیگر.
- نخستین مانع توسعه سیاسی نیز در ادوار مختلف نگرش سنتی به حاکمیت و رویکرد پدرسالارانه و اقتدارگرایی حکومت‌ها بوده است، پس از ایجاد نهادهای دموکراسی به دلیل نفوذ فرهنگ سنتی نتوانستند ظرفیت‌های کامل خود را بروز دهند، نهاد انتخابات، تفکیک قوا، مجلس قانون‌گذاری و احزاب سیاسی کارکردهای واقعی خود را نداشتند.
- با اتمام به بحث جریان روشنفکری موانع بر سر راه توسعه سیاسی کشور هم در عناوین زیر قابل بررسی می‌باشد:

۱. ساختار قدرت سیاسی و کنترل متمرکز بر منابع قدرت سیاسی؛

۲. وجود چند پارگی و شکاف‌های آشتی‌ناپذیر در جامعه؛
 ۳. مخالفت با هرگونه قرائت گوناگون از سنت و مذهب؛
 ۴. حمایت از خصلت توده‌ای جامعه به‌منظور تأمین امکان بسیج سیاسی؛
 ۵. مخالفت با گسترش مشارکت سیاسی خارج از چارچوب‌های ایدئولوژیک (بشیریه، حسین، ۱۳۸۰: ۲۰۶).
- از منظر دیگر به موانع توسعه سیاسی می‌توان این‌گونه اشاره کرد:
۱. خلق و خوی ضد توسعه‌ای؛
 ۲. شخصیت قبیله‌ای و عشیره‌ای، تقدیرگرا، خودمدار، انتقادناپذیر، دگرناپذیر، قاعده‌ناپذیر، بی‌برنامگی و بی‌نظمی فکری و عملی؛
 ۳. ضعف در انسجام درونی و سیستمی؛
 ۴. محدودیت و ضعف در اندیشه‌ها، رفتارها، سیاست‌ها و رویه‌ها؛
 ۵. عدم استفاده از افراد توانا و کیفی در اداره جامعه؛
 ۶. ضعف در ساختن سیستمی مدون و پایدار؛
 ۷. پراکندگی در عمل که نتیجه پراکندگی در ذهن است (سریع‌القلم، ۱۳۸۲: ۱۵).
- در صورت نیاز به پرداختن سایر ابعاد، موانع فرهنگی که باعث عدم دستیابی جامعه ایران به توسعه سیاسی در تاریخ معاصر شده است را نیز می‌توان این‌گونه برشمرد:
۱. فرهنگ استبدادی: با ویژگی‌های اطاعت محض، انحصارطلبی، عدم پرسشگری و پاسخگویی و برنتافتن نقد و انتقاد و کیش شخصیت پرستی در دوره‌های مختلف تاریخی در جامعه ایران به شکل‌های گوناگون تولید و بازتولید شده است؛
 ۲. فقدان نگرش علمی و عقلانی: از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که جریان توسعه سیاسی از جنبه فرهنگی به آن نیاز دارد این است که باید نگرش علمی و عقلانی بر فرهنگ جامعه و هم بر اقتدار سیاسی حاکم شود. همچنین کارگزاران سیاسی حاکم بر جامعه، نگرش علمی و عقلانی را در برنامه‌ریزی و اجرای عملکردشان بکار گیرند. توسعه سیاسی مستلزم انجام فعالیت‌های تدریجی، مداوم و قدم‌به‌قدم در عرصه فرهنگ و سیاست است؛
 ۳. فقدان پرسشگری و نقد یا تفکر انتقادی: رویکرد و نگاه انتقادی و پرسشگرانه به‌عنوان اساس مدرنیته تلقی می‌شود، پرسشگری، تقلای ذهنی انسان برای

نظارت بر جهان و جامعه جهانی است؛

۴. ضعف جامعه مدنی و تقلیل سرمایه اجتماعی: جامعه مدنی نیرومند، محور دموکراسی در تئوری و عمل است و نقش تعیین کننده‌ای در کنترل قدرت دارد. در جوامعی که عدم حس مسئولیت‌پذیری، همزیستی و اخلاق مدنی، بی‌اعتمادی اجتماعی و بدبینی سیاسی، پیش‌بینی ناپذیری رفتار حکومت‌گران، تداوم خشونت سالاری در اثر عدم امنیت مزمن مستتر در جامعه و مطلق اندیشی حکم فرماست، بالطبع خبری از جامعه مدنی، سرمایه اجتماعی و محیط پویا برای فعالیت‌های سیاسی احزاب و جریان‌های روشنفکری و روشنگری نیست و در چنین شرایط اجتماعی، توسعه سیاسی محقق نمی‌شود؛

۵. فقدان یک جریان روشنفکری اصیل، آزادی‌خواه و ملی: جریان روشنفکری ایران، پذیرش ایدئولوژی توتالیتار مارکسیست - لنینیستی و گرایش به حزب توده دچار خطای راهبردی شد.

۶. ضعف فرهنگ گفت‌وگو: توسعه و گسترش گفت‌وگو یا دیالوگ یکی از مؤلفه‌های فرهنگی مناسب برای توسعه سیاسی جامعه است. ما بیشتر شیوه مونولوگ را دوست داشته و داریم تا دیالوگ (حیدرپور، ۱۳۹۶: ۱۲-۲۵).

نتیجه‌گیری

بررسی این پژوهش بیانگر نقش و راهبردهای روشنفکران معاصر به ارائه الگویی مناسب با واقعیات سیاسی اجتماعی کشور و چارچوبی منطبق با نیازهای جامعه برای رسیدن به توسعه سیاسی در ایران است، زیرا ایده‌ها و انتقادات آنان برای جامعه مطلوب و رویه‌های در پیش گرفته برای توسعه سیاسی، اغلب با توجه به رویکردهای اندیشمندان غربی ارائه شده است. علاوه بر آن روشنفکران بیشترین توان خود را برای مقاومت در برابر گفتمان مسلط نموده‌اند و ضروری به نظر می‌رسد برای ایفای نقش و لحاظ راهبردهای توسعه سیاسی در کشور بجای فعالیت‌های بازدارنده و سلبی، مشی همراهی با جریان توسعه و ارائه طریق راهگشا را در پیش گرفت. آنچه مسلم است نفی راهبردهای روشنفکران معاصر توسط نخبگان سیاسی باعث می‌شود تا آنان به جای راهبردهای ایجابی، درصدد ارائه انتقادات بازدارنده برای وضع موجود باشند. به همین منظور با بهره‌مندی از رویکرد نخبه‌گرایانه «پاره تو» با راهکار جابجایی نخبگان در عرصه‌های سیاسی، الگوی اسلامی ایرانی را پیشنهاد داده‌ایم که بر اساس آن علاوه

بر توجه به برساخت فرهنگ اسلامی ایرانی جامعه، ارزش‌های ناهمگون غربی را نیز پالایش می‌نماید و هم راهبردهای ایجابی به‌منظور دستیابی به توسعه سیاسی و اصلاح ساختار سیاسی کشور را در پی دارد. تعامل روشنفکران و نخبگان سیاسی زمانی مؤثر است که بتواند در حوزه ارزش‌های اسلامی ایرانی با راهبردهای عملیاتی منجر به ایجاد تحولات اجتماعی در توسعه سیاسی گردد.

در این نوشتار، نشانه‌های هر یک از گفتمان‌های ملکم‌خان، فروغی، شریعتی و سروش را برشمرد و مورد تحلیل قرار داده‌ایم. توسعه سیاسی با مشروعیت‌دهی بر حکومت مردمی، ارائه راهکارهای کنترل و نظارت مردمی و قانونی، بر شکل‌گیری و قدرتمند شدن جامعه مدنی و آزادی‌های سیاسی تأثیر می‌گذارد. با وجود آنکه برخی مبانی نظری نوسازی و اصلاحات توسط روشنفکران در ایران تدارک دیده شده‌اند اما همچنان فاقد رویکردهای ساختاری و فلسفی عمیق، جامع و کامل نسبت به توسعه، مدرنیته و تمدن هستند.

در کنار صورت‌های مثبت عملکرد روشنفکران، اندیشه‌های قابل انتقاد آنان نیز به شرح ذیل است:

۱. داشتن برداشتی جبرگرایانه و صورت‌گرا از زمان تاریخی و بر اساس اعتقاد به اینکه حرکت عقل در تاریخ مسیری خطی دارد؛

۲. بهره‌گیری از روش‌های قالبی و از پیش تعیین‌شده در تحلیل تاریخ ایران؛

۳. داشتن نگرش غایت‌گرایانه به مسائل اجتماعی سیاسی ایران و نادیده‌انگاشتن تدریجی بودن عمل سیاسی و نفی خود فردی و مفروض گرفتن روح جمعی.

مسئله توسعه سیاسی یکی از محوری‌ترین مباحث موجود در حوزه علوم انسانی و اجتماعی تلقی می‌شود که ارتباط تنگاتنگی با طبقه نخبگان فکری و روشنفکران در جامعه دارد. در دوران معاصر، توسعه سیاسی یکی از موضوعات مهم در پیشبرد اهداف یک جامعه محسوب می‌شد که روشنفکران و نخبگان موجود در جامعه نسبت به آن در دو نگاه درون‌زا و برون‌زا به نظریه‌پردازی پرداختند که هر کدام برحسب ریشه‌های فکری و سیاسی خود روند متفاوتی را ارائه دادند. اصولاً الگوهای توسعه سیاسی در دوره‌های مختلف با پیچیدگی‌های خاصی با توجه به تنوع نظرات روبرو شده است و در باب برنامه‌های توسعه سیاسی دچار نوعی دوگانگی در این موضوعات گشته است که می‌توان از آن به‌عنوان عدم اجماع نخبگان حاکم و نخبگان فکری و روشنفکران اشاره کرد. در واقع عدم اجماع بر سر مفاهیم و موضوعات اساسی همچون توسعه

سیاسی در ایران معاصر نشان‌دهنده نوعی شکاف بین قشر حاکم و قشر روشنفکر و نخبه است که چالش‌هایی را در باب موضوع توسعه سیاسی به بار آورده است. توسعه سیاسی از دید نخبگان و اندیشمندان ایران معاصر در قالب الگوها و جریان‌های سیاسی، با شکل‌گیری و حاکم شدن نظریات دینی نسبت به موضوع توسعه سیاسی شکل و رویکردهای اندیشه‌ای جدیدی را فراهم آورد که هر کدام از نظریات اندیشمندان و نخبگان سمت‌وسوی متفاوتی را به خود گرفت. از استنتاج داده‌های این پژوهش که به شیوه تحلیل محتوا به دست آمده است، مشخص می‌شود که توسعه در نگاه درون‌زا که در پی بومی‌سازی توسعه و تکیه بر نظریات و نصوص دینی بود، در قالب دو جریان روشنفکری اسلام‌گرایی بومی و اسلام‌گرایی انتقادی تعریف می‌شود که جریان روشنفکری اسلام‌گرایی بومی نظریات شریعتی را در برمی‌گیرد که با تکیه بر آیات قرآن و نظریات اسلام درباره عدالت و آزادی در جامعه همراه با بهره‌گیری از نظریات اگزیستانسیالیسمی^۱، در پی تأسیس جامعه متدین و عادل بود که امور سیاسی را بر دوش رهبری جامعه یعنی «امام»، (که مردی عادل و آگاه است) می‌گذارد. این رویکرد، جریان غالب و حاکم در بعد از انقلاب اسلامی ایران است.

در رویکرد دیگر به توسعه سیاسی که به نگاه برون‌زا معروف است، یک نگاه تجددگرایانه و توجه به اندیشه‌های غربی دارد و مدرن شدن و راهیابی به توسعه سیاسی به روش آنان است که نظریات روشنفکران دوره مشروطه و در رویکرد اقتصادی نظریه محمدعلی فروغی را در برمی‌گیرد.

نظریه فروغی که در نگاه برون‌زا مطرح شده است، مربوط به نظریه مدنی شدن سیاست و توجه به فرهنگ جامعه مدنی است. این نظریه که با نگاه جامعه‌شناسی سیاسی به آن پرداخته شده است، موانع توسعه سیاسی را بررسی می‌کند و نقش آزادی‌های سیاسی، احزاب، مطبوعات و رقابت گروه‌ها در جامعه مدنی را از عوامل مهم توسعه سیاسی می‌داند که با نگرش به روندهای توسعه در غرب و الهام از نظریات غربی به دنبال تغییر ساختاری در جامعه ایران است. فروغی تأکید بر توسعه فردی به دنبال بیداری و آگاهی عمومی داشت. وی از طریق ترویج ایده‌های مدرن و آشنایی با اصول دموکراسی و حقوق بشر به توسعه سیاسی کشور پرداخت.

در نظریات سروش که بیشتر نگرش اندیشه‌ای به توسعه سیاسی مطرح است، به

دنبال شناخت فرهنگ‌ها و سنت‌های موجود است و علت عقب‌ماندگی جامعه ایرانی را در عدم شناخت فرهنگ و سنت خویش می‌داند که نسبت به وضعیت خود ناآگاه است و راه برون‌رفت از این وضعیت را در استفاده از دستگاه اندیشه‌ای فرهنگ غرب می‌داند.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، محقق به این نتیجه‌گیری رهنمون می‌شود که در بعد از انقلاب اسلامی ایران که رویکرد اسلام‌گرایی حاکمیت پیدا کرد، نظریات توسعه سیاسی که در بین نخبگان مطرح شد، در حول محور نگاه حاکم ادامه پیدا کرد؛ چراکه بسیاری از اندیشه‌هایی که به‌خصوص در قالب الگوهای برون‌زا مطرح شدند، چون نگاه‌های منتقدانه و جدلی نسبت به ساختارهای حکومت ایران داشتند، حذف یا در حاشیه قرار گرفتند.

البته موضوعی که در اینجا اهمیت دارد تأثیر فرهنگ غرب بر اندیشه‌های سیاسی در ایران است که می‌توان حتی در رویکردهای درون‌زا نیز این تأثیر از جانب غرب را مشاهده کرد؛ بنابراین می‌توان گفت که در رویکردهای برون‌زا به توسعه، نهایت اندیشه برون‌گرا در باب توسعه سیاسی در آراء این افراد مطرح است و جریان‌ها و اندیشه‌های تندرو و ساختارشکنانه در حاشیه به روند خود ادامه می‌دهند.

میرزا ملکم خان نیز در زمان مشروطیت به‌عنوان یک روشنفکر مؤلفه پیشرفت را مهم‌ترین عامل در توسعه سیاسی شناخته و همچنین رفع وابستگی، ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب را عاملی مهم در جهت توسعه سیاسی دانسته است؛ و در کشف کدهای باز در تحلیل محتوا متوجه این امر شده‌ایم که از دیدگاه میرزا ملکم خان تفکر سیاسی، اصلاح اصول سیاست و علم و بهره‌برداری ابزاری از مفاهیم دینی از مهم‌ترین عوامل دخیل در توسعه سیاسی بوده است. ملکم: به مسائل عمده مانند آزادی قانون برای حقوق اساسی فرد سخن به میان آورده است. فرضیه تفکیک قوا را طرح کرده و وارد ادبیات سیاسی ایران کرد، تحدید قدرت دیوانیان و طرد قدرت نامحدود، استقرار قانون، آزادی را منشاء ترقی و توسعه کشور می‌دانست و مساوات را به‌عنوان یکی از ارکان حقوق بشر برشمرد. او به غرب می‌نگریست و بر اساس آن نسخه جامعه ایدئالی برای ایران تجویز می‌کرد. او معتقد بود یکی از بدبختی‌های ایران این است که حاکمانش فرق عقل و علم را نفهمیده‌اند. محمدعلی فروغی نیز در زمان پهلوی اول به‌عنوان یک روشنفکر مؤلفه پیشرفت را مهم‌ترین عامل در توسعه سیاسی شناخته و همچنین ایجاد تحولات ساختاری در

تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب را عاملی مهم در جهت توسعه سیاسی دانسته است؛ و در کشف کدهای باز در تحلیل محتوا متوجه این امر شده‌ایم که از دیدگاه محمدعلی فروغی علم جویی، اصلاح جامعه و بازگشت عظمت و شکوه تاریخ باستانی ایران و نمایندگی در مجلس از مهم‌ترین عوامل دخیل در توسعه سیاسی بوده است.

شریعتی در زمان پهلوی دوم به‌عنوان یک روشنفکر مؤلفه پیشرفت و ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب را مهم‌ترین عامل در توسعه سیاسی شناخته و همچنین رفع وابستگی در جهت توسعه سیاسی دانسته است؛ و در کشف کدهای باز در تحلیل محتوا متوجه این امر شده‌ایم که از دیدگاه شریعتی رشد و آگاهی لازم، فنی شدن، عدالت اجتماعی و عدم وابستگی و پالایش دینی از مهم‌ترین عوامل دخیل در توسعه سیاسی بوده است. شریعتی: بر اساس اندیشه‌های اسلامی به توسعه سیاسی پرداخت. او از پایه‌های اسلامی مذهبی برای ارتقای اجتماعی و سیاسی استفاده می‌کرد و معتقد بود اسلام بهترین نظام سیاسی است.

او معتقد است مذهب به‌صورت بالقوه می‌تواند موجب اصلاح جامعه ایران شود. شریعتی با نگاهی آرمان‌گرایانه به پیشرفت، اصلاح را مقدم بر خدمت و تحول علمی و سیاسی را پیش از اصلاح فرد و جامعه، تنها خدمتی به انسان می‌دانست که لزوماً به پیشرفت منتهی نمی‌شود. از همین رو اصلاح را درگرو بازگشت به ایدئولوژی اسلامی دانست. او بیش از هر چیز خواستار یک انقلاب سیاسی در ساحت فکر و فرهنگ است. شریعتی به احیای هویت دینی و طرح الگو برای مقابله با برداشتهای سطحی از غرب و مدرنیزاسیون پرداخت. الیناسیون و یکسان‌سازی انسان در جامعه مدرن به‌منزله علل بحران بود. شریعتی و طیف روشنفکران همراه او احیای اسلام به‌عنوان یک نظام سیاسی و اجتماعی در مقابل نظام سرمایه‌داری بود. شریعتی علم را به‌مثابه ابزارگونگی جدیدی معنی می‌کرد و معتقد بود علم در قرن ۱۷ و ۱۸ با هیاهوی بسیار جانشین مذهب شد.

سروش در زمان بعد از پیروزی انقلاب به‌عنوان یک روشنفکر مؤلفه پیشرفت و رفع فقر و ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب را مهم‌ترین عامل در توسعه سیاسی شناخته و در کشف کدهای باز در تحلیل محتوا متوجه این امر گشته‌ایم که از دیدگاه سروش آزادی سیاسی، آزادی‌های فردی، آزادی بیان و عقیده، مردم‌شناسی و اخلاق از مهم‌ترین عوامل دخیل در توسعه سیاسی بوده است.

سروش معتقد به حکومت دموکراتیک دینی است. از قانون به عنوان یکی از ارکان جامعه مدنی یاد می‌کند. فراگیری قانون اساسی و آزادی از جدی‌ترین مباحث در اندیشه سیاسی سروش است. انتخابات و تفکیک قوا از مهم‌ترین اجزای دموکراسی است. نظارت و نقد حکومت ضروری بوده و رسیدن به جامعه مدنی تدریجی است. هدف پروژه فکری سروش بر دو اصل استوار است: ۱. آشتی دادن خرد با ایمان از طریق سیال دانستن فهم بشری ۲. ایجاد ارتباط بین اقتدار مذهبی با آزادی سیاسی به وسیله محدود کردن قدرت دولت از طریق راهکارهای مدنی.

سروش که تجربه انقلاب و حاکمیت نظام دینی را از سر گذرانده است، اقتدارگرایی و تمامیت‌خواهی جنبش انقلابی تبدیل به نهاد شده را تهدیدی بالقوه برای نظام سیاسی تلقی می‌کند و نقد حاکمیت دینی را پی می‌گیرد و دین را معطوف به امور اخروی و ناکافی برای سامان بخشیدن به امور مادی و اداره حکومت می‌پندارد. از همین رو معتقد است برای رشد باید درها را به روی علم جدید گشود.

پیشنهادها

در این پژوهش با اهتمام به مقوله نقش و راهبردهای روشنفکران معاصر در توسعه سیاسی به منظور دست یافتن به راهکارهای مطلوب در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و توسعه، اندیشه‌های برخی روشنفکران چهار دوره تاریخی معاصر مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس شاخص‌های مورد ارزیابی از مهم‌ترین چالش‌های توسعه سیاسی به مواردی چون: ضعف جامعه مدنی، نبود نظام حزبی کارآمد و بی‌اعتمادی سیاسی می‌توان اشاره کرد.

مهم‌ترین راهکارهای عملیاتی پیشنهادی برای عبور موفق آمیز از چالش‌های پیش رو در توسعه سیاسی ایران از منظر روشنفکران معاصر مواردی مانند: گسترش فعالیت تشکل‌ها و احزاب سیاسی، نهادینه‌سازی قانون‌گرایی و احترام به آن، زمینه‌سازی برای تحقق جامعه مدنی، اجتناب از تمرکز قدرت، تغییر و تحول در الگوهای آموزشی، توجه به معنویت در پیشرفت، توسعه مردم‌سالاری دینی بر پایه مصادیق برآمده از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و توسعه را برشمرد.

بنابراین به منظور دست یافتن به توسعه سیاسی مورد نیاز کشور در چارچوب یک الگوی مطلوب بومی با رویکرد اهمیت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نقش و راهبردهای سیاستی مهم آن در تدوین عملیاتی، پیشنهادهایی ارائه می‌شود:

۱. اهتمام بیشتر به نقش و کارکردهای نهاد آموزش و پرورش در تربیت انسان‌های شایسته و اثربخش در مسیر توسعه سیاسی؛
۲. استمرار در برگزاری کارگاه‌های آموزشی به‌منظور ارائه الگوهای اجرایی و مدل‌های عملیاتی توسعه سیاسی؛
۳. محوریت علوم انسانی و ارائه راهکارهای مناسب به‌منظور افزایش نقش و کارکردهای قابل‌توجه آن در توسعه سیاسی کشور؛
۴. تعریف چشم‌اندازی جامع و نقشه راه بلندمدت طبق ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی منحصر به فرد کشور؛
۵. افکارسنجی با برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی، نقد سازنده و نظریه‌پردازی در حوزه الگوهای توسعه سیاسی در مراکز علمی.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.



منابع و مأخذ

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۴). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران: نشر نی.
- ابوالفضلی کریزی، حسین و پسندیده ابوالفضل (۱۴۰۰). تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی و موانع توسعه‌ای آن در جمهوری اسلامی، *فصلنامه مطالعات راهبردی فرهنگ*، ۱ (۴)، ۹-۲۹.
- Doi 10.22083/scsj.2022.145950
- اکبرزاده، فریدون و جلال‌پور، شیوا و مدملیل، احسان (۱۳۹۶). نقش روشنفکران حزب تجدد در شکل‌گیری دولت مدرن در ایران، اولین همایش ملی علوم رفتاری و اسلامی، اهواز، نشر مرجع دانش.
- اسدزاده، وحید (۱۳۹۳). نقش روشنفکران و کشورهای همسایه در نوسازی‌های دوره رضاشاه، *فصلنامه سیاست*، ۱ (۴)، ۲۹-۳۸.
- الگار، حامد (۱۹۶۹). *دین و دولت در ایران*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: نشر توس.
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۰). *فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطه در ایران*. تهران: نشر سخن.
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۳). *اندیشه‌های طالبوف تبریزی*. تهران: نشر دماوند.
- باتامور، توماس برتون (۱۳۹۱). *نخبگان و جامعه*. ترجمه علیرضا طیب. تهران، نشر شیرازه.
- بی، ارل (۱۳۸۱). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. ترجمه دکتر رضا فاضل، تهران: نشر سمت.
- بروجردی، مهرداد (۱۳۷۷). *روشنفکران ایرانی و غرب*. ترجمه جمشید شیرازی، تهران: نشر فرزانه.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی سیاسی*. تهران: نشر نی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰). *موانع توسعه سیاسی در ایران*. نشر گام نو.
- حیدرپور کلیدسر، محمد و وثوقی، منصور و ساروخانی، باقر و ازکیا، محمد (۱۳۹۶). واکاوی موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران (عصر پهلوی دوم)، *فصلنامه فرهنگ و ارتباطات*، ۱۸ (۴۰)، ۱-۲۹.
- Doi:10.22083/jccs.2018.98774.2259
- خجسته، فردوس و عصار، علیرضا و حاجیانی، ابراهیم و عراقیه، علیرضا (۱۴۰۱). آینده‌پژوهی هویت ملی در نظام آموزشی ایران، *فصلنامه مطالعات راهبردی فرهنگ*، ۲ (۲)، ۹-۲۸.
- Doi:10.22083/scsj.2022.360976.1066
- جعفری، افشین و قاسمی، زهرا (۱۳۹۸). تأثیر رابطه نخبگان سیاسی حاکم و روشنفکران بر توسعه فرهنگ سیاسی پس از انقلاب اسلامی، *فصلنامه علمی رهیافت انقلاب اسلامی*، ۱۴ (۵۲)، ۲۴۴-۲۵۵.
- Doi:1001.1.20083777.1399.14.52.12.2
- کدی، نیکی (۱۳۸۳). *ریشه‌های انقلاب ایران*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه تهران: نشر ققنوس.
- کلهر، سینا (۱۴۰۱). تجربه برنامه‌ریزی و الگوی برنامه‌ریزی فرهنگی در برنامه‌های توسعه، *فصلنامه مطالعات راهبردی فرهنگ*، ۲ (۱)، ۹-۳۵.
- Doi:10.22083/scsj.2022.151784
- محمدی، حیدر، کورنگ بهشتی، سیامک و دوازده‌امامی، حمید (۱۴۰۳). ارائه الگوی فرهنگی حکمرانی خوب در دستگاه‌های ناظر بر عملکرد دولت، *فصلنامه مطالعات راهبردی فرهنگ*، ۴ (۲)، ۱۴۷-۱۷۲.
- Doi:10.22083/scsj.2024.4370931140

دهمرد، منصور و رنجبر، مقصود (۱۳۹۵). راهکارهای روشنفکران دوران انقلاب مشروطه ایران برای توسعه و جبران عقب ماندگی های کشور، ماهنامه علوم انسانی اسلامی، ۱ (۱۴)، ۲۱-۳۲. JR-Jpol 3-12-003

دهقان، اسماعیل (۱۳۹۵). تفکر انتقادی روشنفکران مسلمان: نقش احتمالی آن در توسعه اندیشه حسابداری راهایی بخش، دومین همایش ملی حسابداری، مدیریت و اقتصاد ایران، دانشگاه آزاد اسلامی بندرگز، ۴۴-۶۵.

Coi:Fnciaa 02-042

دیلقمقانی، فرشید و قاسمی ترکی، محمدعلی (۱۳۹۵). ضرورت های سیاست گذاری هویت ملی از دید روشنفکران ایرانی (مقطع ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲)، فصلنامه سیاست، ۳ (۱۲)، ۲۱-۴۷.

رضوی، مسعود (۱۳۷۹). روشنفکران، احزاب و منافع ملی. تهران: نشر فروزان روز.

رهبری، مهدی (۱۳۸۸). جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی ایران. بابلسر: نشر دانشگاه مازندران.

ریتزر، جرج (۱۳۸۵). نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۳). روش تحقیق در علوم اجتماعی. جلد دوم، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سروش، عبدالکریم (۱۳۹۶). مدیریت و مدارا. تهران: نشر صراط.

سریع القلم، محمود (۱۳۸۲). عقلانیت و توسعه یافتگی ایران. تهران: نشر فرزاد.

سعید، ادوارد (۱۳۸۸). نشانه های روشنفکری. ترجمه محمد افتخاری، تهران: نشر آگه.

سوئل، توماس (۱۴۰۱). روشنفکران و جامعه. ترجمه شایان صولتی و شروین صولتی، تهران: انتشارات گوتنبرگ.

صدری، احمد (۱۳۸۶). جامعه شناسی روشنفکران. ترجمه حسن آبنیکی، تهران: انتشارات کویر.

صدری، محمدفاضل و صانعی، مهدی و امیر عبداللهیان، سمیه (۱۳۸۶). بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر اعتماد شهروندان نسبت به دولت، سومین کنفرانس بین المللی مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۲-۴۰.

Coi:Mcedo3-502

فوران، جان (۱۹۹۲). مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال های پس از انقلاب، ترجمه احمد تدین. تهران: نشر رسا

قوام، عبدالعلی (۱۳۹۳). چالش های توسعه سیاسی. تهران: نشر قومس

قنبر پور، لیلیا (۱۳۹۵). بررسی دیدگاه روشنفکران دینی در رابطه با حقوق زنان با تأکید بر مدرنیته در کنفرانس بین المللی رویکردهای نوین علوم انسانی در قرن، ۲۱-۴۴.

عابدی اردکانی، محمد (۱۳۹۳). توسعه نیافتگی سیاسی از منظر فرهنگ سیاسی نخبگان در ایران (۱۳۶۸-۱۳۸۴)، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۴ (۳۵)، ۱۳۴-۱۷۰. Doi:20.1001.1.1735790.1393.9.4.5.5

عنایت، حمید (۱۳۸۱). اندیشه سیاسی در اسلام معاصر. ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران: انتشارات خوارزمی.

غرایاق زندی، داوود (۱۳۸۴). روشنفکری، هویت و نوگرایی در ایران: نگاه شناخت شناسانه، فصلنامه مطالعات ملی، ۶ (۲۱)، ۴۷-۶۸. Doi:20.1001.1.1735059.1384.6.21.3.7

میرلطفی، پرویز رضا و جهانتیغ، محسن (۱۳۸۳). نقش جریان روشنفکری در توسعه سیاسی. پنجمین کنفرانس بین‌المللی و ششمین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی، تهران، <https://civilca.com/com/doc/1625894>

هانسیگتون، ساموئل (۱۳۷۵). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر علم

هولستی، ال رادولف (۱۳۸۰). تحلیل محتوی در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده امیری. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

Abedi Ardakani, Mohammad. (2014). Political Underdevelopment from the Perspective of the Political Culture of the Elites in Iran (1989-2005), *Journal of Political Science*, 4(35), 134-170, Doi :20.1001.1.1735790.1989.9.4.5.5. [In Persian]

Abrahamian, Yervan. (2015). *Iran between two revolutions*. Translation: Abolghasem Sari, Tehran: Nay Publications. [In Persian]

Abolfazli Karizi, Hossein and Pasandideh Abolfazl. (1400). Content analysis of cultural policies and their development obstacles in the Islamic Republic, *Quarterly Journal of Strategic Studies of Culture*, 1(4), 9-29, Doi 10.22083/scsj.2022.145950. [In Persian]

Akbarzadeh, Fereydoun and Jalalpour, Shiva and Madamilil, Ehsan. (2017). The role of the intellectuals of the Modernization Party in the formation of the modern state in Iran, First National Conference of Behavioral and Islamic Sciences, Ahvaz, Marja Danesh Publications. [In Persian]

Asadzadeh, Vahid. (2014). The role of intellectuals and neighboring countries in the modernizations of the Reza Shah era, *Quarterly Journal of Politics*, Year 1, (No. 4) 1(4), 29-38. [In Persian]

Algar, Hamed. (1969). *Religion and State in Iran*, translated by Abolghasem Sari. Tehran: Nashrtus. [In Persian]

Adamit, Fereydoon. (1961). *The Thought of Freedom and the Introduction to the Constitutional Movement in Iran*. Tehran: Nashr Sokhan. [In Persian]

Adamit, Fereydoon. (1964). *The Thoughts of Talebov Tabrizi*. Tehran: Nashr Damavand. [In Persian]

Batamur, Thomas Burton. (1972). *Elites and Society*. Translated by Alireza Tayyeb. Tehran, Nashr Shirazeh. [In Persian]

Babi, Earl. (1982). *Research Methods in Social Sciences*. Translated by Dr. Reza Fazel, Tehran: Nashr Samat. [In Persian]

Boroujerdi, Mehrzad (1998). *Iranian Intellectuals and the West*. Translated by Jamshid Shirazi, Tehran: Nashr Farzan. [In Persian]

Bashirieh, Hossein. (1998). *Political Sociology*. Tehran: Nashr Nei. [In Persian]

Bashirieh, Hossein. (1998). *Obstacles to Political Development in Iran*. Gam Nou Publishing

Dehmardeh, Mansour and Ranjbar, Maghsoud. (2016). Strategies of intellectuals during the Iranian Constitutional Revolution for development and compensation of the country's backwardness, *Monthly Journal of Islamic Humanities*, 1(14), 21-32, JR-Jpol 3-12-003. [In Persian]

Dehghan, Esmaeil. (2016). Critical thinking of Muslim intellectuals: its possible role in the development

- of emancipatory accounting thought, Second National Conference on Accounting, Management and Economics of Iran, Bandargaz Islamic Azad University, 44-65, Coi:Fnaaa 02-042. **[In Persian]**
- Dilmoghani, Farshid and Ghasemi-Torki, Mohammad Ali. (2016). The Necessities of National Identity Policymaking from the Perspective of Iranian Intellectuals (1941-1953), *Quarterly Journal of Politics* 3(12), 21-47. **[In Persian]**
- Das, s, uxaibir, and Marc G. Quiny (2007) Crisis Prevention and Crisis Management: *the Role of Regulatory Governance*. in R. Iiten. M Pomerleano and V. Sun dararajan. (eds), *financial Sector Governance: the Role the Public and Private Sectors*, (Washington D.c: Brookings Institution Press)
- Enayat, Hamid. (2002). *Political Thought in Contemporary Islam*. Translated by Baha' al-Din Khorramshahi, Tehran: Kharazmi Publications. **[In Persian]**
- Foran, Jan. (1992). *Fragile Resistance: A History of Iranian Social Developments from the Safavids to the Post- Revolutionary Years*, Translated by Ahmad Tadayin. Tehran: Rasa Publishing. **[In Persian]**
- Ghavam, Abdol Ali. (2014). *Challenges of Political Development*. Tehran: Qoms Publishing. **[In Persian]**
- Ghanbarpour, Leila. (2016). A study of the views of religious intellectuals on women's rights with an emphasis on modernity in the International Conference on New Approaches to Humanities in the Century, 21-44. **[In Persian]**
- Gharayagh Zandi, Davood. (2005). Intellectualism, Identity and Modernity in Iran: An Epistemological Perspective, *Quarterly Journal of National Studies*, 6(21), 47-68,
- Doi: 20.1001.1.1735059.1384.6.21.3.7. **[In Persian]**
- Heiderpour Kilidsar, Mohammad and Vosoughi, Mansour and Sarukhani, Baqer and Azkia, Mohammad (2017). Analysis of Cultural Obstacles to Political Development in Iran (Second Pahlavi Era), *Quarterly Journal of Culture and Communications*, Volume 18, 18(40), 1-29, Doi: 10.22083/jccs.2018.98774.2259. **[In Persian]**
- Holste, L. Radolf. (2001). *Content Analysis in Social and Human Sciences*. Translated by Nader Salarzadeh Amiri. Tehran: Allameh Tabatabaei University Press. **[In Persian]**
- Huntington, Samuel. (1965). *Political Develop and Political Decay*, world political, xvii.
- Huntington, Samuel. (1996). *Political System in Societies Undergoing Transformation*, Translated by: Mohsen Salasi. Tehran: Alam Publishing. **[In Persian]**
- Jafari, Afshin and Ghasemi, Zahra. (1398). The impact of the relationship between the ruling political elite and intellectuals on the development of political culture after the Islamic Revolution, *Quarterly Journal of the Approach to the Islamic Revolution*, 14(52), 244-255, Doi: 1001.1.20083777.1399.14.52.12.2. **[In Persian]**
- Khojasteh, Ferdows and Assar, Alireza and Hajiani, Ebrahim and Araghieh, Alireza. (1401). Future Studies of National Identity in the Iranian Educational System, *Quarterly Journal of Strategic Studies of Culture*, Year 2, (Issue 2) 202, 9-28, Doi: 1022083/scsj.2022.360976.1066. **[In Persian]**
- Kadi, Niki (2003). *The roots of the Iranian Revolution*, translated by Mehdi Haghghatkhah, Tehran: Qoqnos Publication. **[In Persian]**

Kelher, Sina. (1401). The experience of planning and the model of cultural planning in development programs, *Quarterly Journal of Strategic Studies of Culture*, 2(1), 9-35

Doi:10.22083/scsj.2022.151784. **[In Persian]**

Mir Lotfi, Parviz Reza and Jahantig, Mohsen (2004), The Role of Intellectual Movement in Political Development. Fifth International Conference and Sixth. National Conference of Law and Political Science, Tehran, <https://civilca.Com/com/doc/1625894> **[In Persian]**

Mohammadi, Heydar, Korang Beheshti, Siamak and Dazav Emami, Hamid. (1403). Presenting a cultural model of good governance in government performance monitoring agencies, *Quarterly Journal of Strategic Studies of Culture*, 4(2), 147-172, Doi:10.22083/scsj.2024.4370931140. **[In Persian]**

Razavi, Masoud. (1990). *Intellectuals, Parties and National Interests*. Tehran: Forouzan Rooz Publishing. **[In Persian]**

Rahbari, Mehdi. (2009). *Political Sociology of the Islamic Revolution of Iran*. Babolsar: Mazandaran University Publishing. **[In Persian]**

Ritzer, George. (2006). *Sociological Theories in Contemporary Times*. Translated by Mohsen Salasi, Tehran: Scientific and Cultural Publications. **[In Persian]**

Sarukhani, Baqer. (2004). Research Methods in Social Sciences. Volume 2, Tehran: *Humanities and Cultural Studies Research Institute Publications*. **[In Persian]**

Soroush, Abdolkarim. (2017). *Management and Tolerance*. Tehran: Sirat Publishing. **[In Persian]**

Saree-e-Qalam, Mahmoud. (2003). *Rationality and Development of Iran*. Tehran: Farzan Publishing. **[In Persian]**

Saeed, Edward. (2009). *Signs of the Intellectual*. Translated by Mohammad Eftekhari, Tehran: Ageh Publishing. **[In Persian]**

Sowell, Thomas. (1401). *Intellectuals and Society*. Translated by Shayan Solati and Shervin Solati, Tehran: Gutenberg Publishing. **[In Persian]**

Sadri, Ahmad. (2007). *Sociology of Intellectuals*. Translated by Hassan Abniki, Tehran: Kavir Publishing. **[In Persian]**

Sadri, Mohammad Fazel and Sanei, Mehdi and Amir Abdollahian, Somayeh. (2007). Studying the Effect of Good Governance on Citizens' Trust in the Government, Third International Conference on Management and Economics, Torbat Heydarieh University, 12-40, Coi: Mcedo3-502. **[In Persian]**

Weber, Max. "Politics as a Vocation", In *from Max Weber*, edited by H.H. Gerth and C. Wright Mills. New York: Oxford University Press, 1958.



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.